

درگیری اروپا در بحران اوکراین و اختلافاتی که ممکن است درباره آن با ترامپ پیدا کند فرصتی را برای بهره‌گیری ایران از این فاصله از طریق بهبود روابطش با اروپا از یک سو و کاهش دامنه‌های تنش با آمریکا در خاورمیانه فراهم می‌کند

توجه به شدت گرفتن تنش‌های معیشتی و ناترازی‌های آزاددهنده و تشدیدشونده در بخش‌هایی مانند تأمین انرژی کشور، مهم‌ترین مسأله ایران و ایرانیان در سال ۲۰۲۵ مسأله اقتصاد خواهد بود

انتظار می‌رود اروپایی‌ها در پرونده ایران از سیاست‌های ترامپ تبعیت کنند و بالاترین سطح هماهنگی با دولت آمریکا را در پیش‌گردد تا از این مضر نتوانند در موضوعات حیاتی و مهم‌تری که با آمریکا دچار اختلاف خواهند بود، امتیازاتی را دریافت کنند



مجید تفرشی پژوهشگر مسائل ایران

ایران در سال ۲۰۲۵ میلادی در چند وجه با چالش‌های مختلفی در موضوعات سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی مواجه است. پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات آمریکا، بن‌بست جنگ اوکراین، حملات تروریستی اسرائیل به حماس و محور مقاومت، پایان حکومت بشار اسد در سوریه، بیم و امیدهای پیش روی پیمان صلح ابراهیم و قدرت گرفتن کامل و قطعی محمد بن سلمان در پادشاهی سعودی از عناصر بسیار مؤثر بر روندهای پیش روی ایران در سیاست خارجی خود در سال ۲۰۲۵ است.

از آغاز مبارزات انتخاباتی در آمریکا تا پس از انتخاب ترامپ، اطرافیان به طور مداوم با دو چهره متفاوت از او با مسأله ایران مواجه شدند. از یک سو تأکید بر مداومت جهت اعمال فشار بیشتر، از تحریم حداکثری تا حمله مودی یا حمایت از اغتشاش‌های داخلی در جهت تعطیلی یا محدودسازی همه جانبه ایران و از سوی دیگر رسیدن به یک تفاهم فراگیر با آن که همه نشانه‌ها در مواضع ترامپ و اطرافیانش دیده و شنیده شده است.

برای ترامپ در موارد بسیاری و بویژه ایران، دستیابی

ایران و چالش‌های بین‌المللی پیش‌رو در سال ۲۰۲۵

به دستاوردهای نافرجام باراک اوباما همچنان یک دغدغه جدی است. اما ترکیب یاران کنونی او و حذف مریخ ضدایرانی (جان بولتون، مایک پنس، مایک پومپئو و نیکی هیلی) از کنار ترامپ و افزودن عناصر بعضاً متعادل و بعضاً تندروتر، راه را برای هر دو وجه تندروی و مصالحه با ایران باز نگه داشته است. در این مسیر عناصری چون اروپا، اوکراین، چین، روسیه و سعودی در کنار مصالح آمریکا تأثیرگذار خواهند بود. در موضوع اوکراین و روسیه، دو طرف مدعی پیشروی و پیروزی‌هایی بوده و هستند. اما اکنون این جنگ بیش از هر زمانی با بن‌بست مواجه است و بدون تأثیرگذاری متفاوت عناصر منطقه‌ای و خارجی، دورنمایی برای پایان آن با پیروزی یکی از طرفین وجود ندارد. هر چه در این معرکه رخ دهد، یعنی آینده روابط ایران با اروپا، آمریکا و همچنین کشورهای منطقه، بویژه در آسیای مرکزی و جنوب قفقاز با چگونگی تداوم یا تغییر روابط تهران و مسکو به آینده آن جنگ گره خورده است. ایران در یک سال اخیر تلاش کرد منافع خود را جدای از سرنوشت جنگ اوکراین نشان دهد. اما روسیه تعدمأ ایران را شریک و همکار خود معرفی می‌کند.

در سوی دیگر جهان و مناسبات بین‌المللی، ایران همچنان بر تعامل راهبردی و ناکسسنتی خود با چین تأکید دارد. ایران به تدریج دریافت کرده که: اولاً کاهش

مناسبات راهبردی با چین به صلحت ایران نیست، ثانیاً انتخاب چین به عنوان تنها گزینه و انتخاب یگانه ناگزیر در اقتصاد و دیپلماسی صحیح نبود و هرگز نباید در تعاملات اقتصادی، روابط دیپلماتیک منطقه‌ای دوجانبه یا در چهارچوب سازمان‌های بین‌المللی مانند شانگهای، از چین توقع داشته باشد منافع ایران را بر منافع خود مقدم بداند. چین هم هرگز چنین توقعی از ایران نداشت، اما در ایران هنوز بسیاری چنین نقشی را برای چین تصور دارند. چین همانند ابتکار صلح تهران و ریاض نشان داد که در موقعیت منافع مشترک متقابل، می‌توان پکن را میانجی قابل اعتمادی برای حل برخی مشکلات ایران دانست.

درباره پادشاهی سعودی اگر مواضع کنونی این کشور در قبال ایران را با مواضع ریاض در جریان مذاکرات برجام مقایسه کنیم، درمی‌یابیم که به دلایل مختلف، از جمله بازنگری دو کشور در سیاست منطقه‌ای خود، دیگر برخلاف گذشته ریاض مانع گسترش روابط ایران با غرب نیست. در شرایط جدید، در صورت ایجاد یک پیوند مصالحتی و روش‌مندانه و اتخاذ رویکرد متفاوت دو کشور، حکومت ریاض می‌تواند در افزایش بخت‌های ایران در منطقه و در روابط با اعراب و همچنین تعامل با اروپا و آمریکا، نقش مثبتی نسبت به گذشته بازی کند. ایران و سعودی می‌توانند با این

موضوعی که هیچ آلترناتیو دیگری برای آن وجود ندارد و به یک دستورکار مسلم و الزام‌آور تبدیل شده است. این احتمال به طور جدی وجود دارد که در خاورمیانه همسویی بین برخی کشورهای منطقه‌ای و همچنین فرامنطقه‌ای صورت گیرد و آمریکا و چین و همچنین آمریکا و روسیه مذاکرات جدی با یکدیگر داشته باشند. در این میان باید دید آیا کارت ایران مورد استفاده دیگران قرار خواهد گرفت یا بالعکس، از آن سوءاستفاده خواهد شد. قطعاً برای اینکه از کارت ایران سوءاستفاده نشود، نقش آفرینی فعالانه ایران در فرآیند

این مناسبات پیدا و پنهان الزامی است. جدای از اینکه مسأله تحریم‌ها، ناترازی‌ها و امنیت پیرامون کشورمان به‌خصوص در شمال غربی آن، از اهمیت دوچندانی برخوردار است اما مسأله اصلی این است که ایران به بازنگر حاشیه‌ای پازل‌های در حال چیدنش منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل نشود. برای ممانعت از تحقق چنین چشم‌اندازی باید ساز و کارهای قابل اجرایی که ایران در مسیر ایده همگرایی و ذیل دغدغه‌های خود پیرامون رویدادهای اخیر منطقه دنبال می‌کند، طراحی شود تا این ایده‌ها از روی کاغذ بیرون بیاید و در روند مناسبات مابین‌ها عملی پیدا کند.

رویکرد شتابان برای رفع تحریم‌ها

سوریه به چه سمتی سوق خواهد یافت؟ بنابراین، بر مبنای وضعیت ایستایی که در خاورمیانه پیدا خواهد شد از یک سو و تمرکز که آمریکا روی چین، روسیه، تحریم‌ها و جنگ اوکراین خواهد داشت از دیگر سو، باید دید که ایران در این معادله چه فرصت و موقعیتی پیدا خواهد کرد.

مسأله این است، با توجه به مجموعه مسائلی که در داخل و در سطح منطقه و به طور کلی در سیاست خارجی با آن مواجه هستیم، چاره‌ای جز این وجود ندارد که برای حل و فصل مسأله تحریم‌ها رویکردی شتابان در دستورکار قرار گیرد؛



کوروش احمدی کارشناس مسائل سیاست خارجی

رویکرد واقع‌گرایانه در بلوک بندی جدید جهانی



علی آقبر قزازی دیپلمات پیشین ایران در اروپا

برای روشن شدن چشم‌اندازی که مناسبات و تحولات بین‌الملل در سال ۲۰۲۵ با آن روبه‌رو خواهد شد و پیش‌بینی موقعیت ایران در این روند، باید دید کشور در سالی که گذشت در کجا ایستاده و چه رویکردی را در مسیر تحولات پرتنش سیاست خارجی در پیش گرفته بود. علی‌رغم اینکه حوادث خارجی در سال ۲۰۲۴ سرعت بالایی داشت و بسیاری از تحولات قابل پیش‌بینی نبود اما سیاست خارجی ایران در مقابل حرکتی بدوی، کند و در چهارچوب‌های سنتی و قدیم سیر می‌کرد. این درحالی است که نظر بر پیامدهای گام‌های آهسته ایران در طین این تحولات، انتظار می‌رود اهمیت شتاب لحظه‌ها و استفاده از فرصت‌ها در سال جدید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد و ایران متناسب با تحولات سریع جهانی حرکت کند و از همه مهم‌تر آینده نگر داشته باشد. یعنی بتواند علاوه بر تحلیل و پیش‌بینی به موقع، بلوک بندی‌ها را شناسایی کرده و متناسب با آنها اعلام موضع کرده و سیاستگذاری نماید. دستگاه سیاست خارجی باید فراتر از نقش یک نهاد

شکل‌گیری اشتراک منافع میان ایران و بازیگران بزرگ

مهم‌ترین موضوعات خارجی در سال ۲۰۲۵ به تحولاتی مربوط می‌شود که با تحولات غرب آسیا و انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در پیوند قرار دارد. دونالد ترامپ در شرایطی برای بار دوم وارد کاخ سفید می‌شود که حضور او بر سیاست خارجی خاورمیانه‌ای آمریکا، جنگ اوکراین و رقابت‌های رو به افزایش اقتصادی با چین تأثیر بسزایی خواهد گذاشت. بی‌تردید سیاست‌های برآمده از حضور ترامپ در غرب آسیا و رویکردی که جمهوری اسلامی در این منطقه و در مسیر تحقق منافع ملی خود دنبال می‌کند، می‌تواند نقاط اشتراکی را به وجود آورد که مبتنی بر اهداف امنیتی ایران و آمریکا باشد. دو کشور سال‌ها پیش ذیل درهم‌تنیدگی منافع منطقه‌ای شان تجربه مذاکره مستقیم درباره عراق و افغانستان را از سر گذرانده‌اند و روند تحولات جدید هم انجام چنین گفت‌وگوهایی را ضروری کرده است که می‌تواند از ایجاد بحران موجود در روابط دو کشور بکاهد. در حال حاضر موضوع پرونده هسته‌ای ایران نیز از جمله مسائلی است که حل آن در



رامین مهمان‌پرست سخنگوی پیشین وزارت خارجه



علی آقبر قزازی دیپلمات پیشین ایران در اروپا

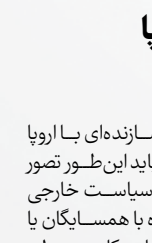
مهم‌ترین تحولی که سیاست خارجی ایران در سال ۲۰۲۵ با آن روبه‌رو خواهد بود، درهم‌تنیدگی سیاست‌های اروپا و آمریکا ذیل آغاز دوره دولت دوم دونالد ترامپ خواهد بود. اغلب کشورهای جهان بویژه کشورهای اروپایی ناظر بر نگرانی‌های برآمده از تصمیماتی که ترامپ احتمالاً بر اساس اختیارات نامحدود خود در پیش خواهد گرفت، نوعی از سیاست موجهه‌ای را در دستورکار قرار خواهند داد. آنچه مشخص است اینکه ترامپ و دولت جدید او چالش‌های عمیقی را برای امنیت و اقتصاد اروپایی خواهد افزود. با این مقدمه می‌توان گفت، موضوع روابط ایران با اروپا می‌تواند به متغیری برای بازتنظیم روابط اروپا و آمریکا تبدیل شود. در واقع انتظار می‌رود اروپایی‌ها در پرونده ایران از سیاست‌های ترامپ تبعیت کنند و بالاترین سطح هماهنگی با دولت آمریکا را در پیش گیرند تا از این مضر نتوانند در موضوعات حیاتی و مهم‌تری که با آمریکا دچار اختلاف خواهند بود، امتیازاتی را دریافت کنند. نکته قابل توجه اینکه اگر سیاست‌های ترامپ در قبال ایران عنصر کلیدی شکل‌گیری روابط

ارتقای درجه امنیتی شدن ایران در محاسبات راهبردی غرب

مهم‌ترین تحولی که سیاست خارجی ایران در سال ۲۰۲۵ با آن روبه‌رو خواهد بود، درهم‌تنیدگی سیاست‌های اروپا و آمریکا ذیل آغاز دوره دولت دوم دونالد ترامپ خواهد بود. اغلب کشورهای جهان بویژه کشورهای اروپایی ناظر بر نگرانی‌های برآمده از تصمیماتی که ترامپ احتمالاً بر اساس اختیارات نامحدود خود در پیش خواهد گرفت، نوعی از سیاست موجهه‌ای را در دستورکار قرار خواهند داد. آنچه مشخص است اینکه ترامپ و دولت جدید او چالش‌های عمیقی را برای امنیت و اقتصاد اروپایی خواهد افزود. با این مقدمه می‌توان گفت، موضوع روابط ایران با اروپا می‌تواند به متغیری برای بازتنظیم روابط اروپا و آمریکا تبدیل شود. در واقع انتظار می‌رود اروپایی‌ها در پرونده ایران از سیاست‌های ترامپ تبعیت کنند و بالاترین سطح هماهنگی با دولت آمریکا را در پیش گیرند تا از این مضر نتوانند در موضوعات حیاتی و مهم‌تری که با آمریکا دچار اختلاف خواهند بود، امتیازاتی را دریافت کنند. نکته قابل توجه اینکه اگر سیاست‌های ترامپ در قبال ایران عنصر کلیدی شکل‌گیری روابط



بهزاد احمدی کارشناس مسائل اروپا



بهزاد احمدی کارشناس مسائل اروپا

پیگیری راهبرد تازه در رابطه با اروپا و مناسبات با غرب

است و نتوانست روابط سازنده‌ای با اروپا ایجاد کند. با این حال نباید این تصور شود که مسیر درست در سیاست خارجی نفی روابط خوب و سازنده با همسایگان یا حوزه‌های دیگر غیر از اروپا و آمریکا است. ولی آنچه مسلم است نمی‌توان با کنار گذاشتن اروپا یا در شکل کلان آن مناسبات با غرب، به دنبال تأمین منافع ملی بود. به هر ترتیب در فاصله کمتر از ۳ هفته تا حضور مجدد ترامپ در کاخ سفید، می‌توان گفت که موضوع اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۲۵ نحوه مواجهه با دولت جدید آمریکا و رویکردهای خاص ترامپ در موضوعات هسته‌ای و منطقه‌ای است. طبیعتاً تداوم راهبردهای قبلی نتیجه ملموس و مثبتی برای سیاست خارجی ایران نخواهد داشت لذا باید به فکر اقدامات تازه برای حل موضوعات مورد اختلاف با اروپا و بهره‌گیری از ظرفیت‌های دو طرف بود. در حال حاضر موضوعاتی نظیر جنگ اوکراین، پرونده هسته‌ای و برخی مسائل حقوق بشری از جمله مهم‌ترین مواردی است که باید به عنوان گام‌های اول بهبود روابط با اروپا مورد بررسی و اصلاح نظر واقع شود.



ابوالقاسم دلفی سفیر سابق ایران در فرانسه